

## ادبیات، تجلی اجتماع

مرضیه برشادی پور، جمشید پورعرب، سید مهدی موسوی

### چکیده:

ادبیات در دو گستره شعر و نثر، جامع جمیع جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی است و از هیچ گوشه و کنار وجود آدمی غفلت نکرده است. به جرأت می‌توان ادعا کرد که برای شناخت اقوام، درک افکار، علایق، آداب، سنن، روش، منش، دانش و بینش آن‌ها، هیچ ملجأ و منظری بهتر و فراگیرتر از ادبیات وجود ندارد.

از آن‌جا که هنرمند، فرزند محیط اجتماعی عصر خود است، بررسی متون ادبی مانند شاهنامه، مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، آثار منظوم نظامی گنجوی و ... بیان گر بازتاب فرهنگ اجتماعی در جلوه‌های گوناگون آن است.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات، اجتماع، فرهنگ، سنت

### مقدمه:

متون ادبی یک ملت پس از تاریخ یک کشور می‌تواند معرف فرهنگ مردم آن کشور باشد. ادبیات یک جامعه نقش به‌سزایی در سیر تکاملی اندیشه‌ها داشته‌است. شاعران و نویسندگان، در جامعه و با مردم زندگی می‌کنند. آنان درد مردم را می‌فهمند؛ زیرا خود نیز جزئی از همین مردم هستند.

بازنگری و بررسی متون ادبی، ما را در پی بردن به احوال اجتماعی و آثار و تمدن گذشته کمک می‌کند، آثار و احوالی که شاید بنا به ملاحظاتی در تاریخ نقل نشده‌اند که گفته‌اند: تاریخ را فاتحان می‌نویسند. بررسی متون ادبی یعنی شناخت روحیه، ذوق و سلیقه‌ی مردم جامعه.

### بیان مسأله:

ادبیات در سرزمین ما بار دو مسئولیت بزرگ را به دوش داشته‌است. یکی جلوه‌های هنری زبان و دیگری بیان اخلاق و آموزه‌های انسانی و اجتماعی که از آن به ادبیات تعلیمی یاد می‌شود.

این پژوهش پاسخی است به این پرسش که آیا هنرمندان و آفرینندگان متون ادبی ما توانسته‌اند به مجاز، کنایه، ابهام، رمز و اشاره، مسایل اجتماعی را بیان و نقد کنند؟

پیداست که هدف این پژوهش هم شناخت برخی مسائل اجتماعی این مرز و بوم در آینه ادبیات است و هم فراهم کردن مواد خامی که امروز بتواند راهنمای عمل شاعران و نویسندگان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی باشد.

### ضرورت تحقیق:

شناخت فرهنگ، تاریخ و رویدادهای اجتماعی این مرز و بوم یکی از ضرورت‌های اساسی ما برای بقا در هجوم بی‌امان فرهنگ‌های مهاجم است و این شناخت، ادیبان فرهیخته و درد آشنای ما را در بیان مسایل اجتماعی و بیداری مردم دل‌سوخته یاری می‌کند.

آثار ادبی آینه اندیشه‌ها و باورهای ژرف ملت‌هاست که مطالعه آن به مخاطب این امکان را می‌دهد تا هم با تحول و تطور اندیشه‌ها و جریان‌های فکری و اجتماعی آشنا شود و هم در زندگی خود به صورت کاربردی از آن‌ها بهره‌گیرد.

### روش تحقیق:

ماهیت این پژوهش نظری و به روش توصیفی بر پایه‌ی منابع کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. به طور کلی روش کار در این نوشتار، استناد به متون ادبی (نظم و نثر) و تا حدی با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی - تفسیری است.

### پیشینه تحقیق:

در مورد پیشینه این تحقیق باید گفت، تاکنون پژوهشگران، نویسندگان و صاحب‌نظران زیادی درباره این موضوع کارهای ارزشمندی ارائه داده‌اند؛ به‌ویژه در قرن حاضر می‌توان از دکتر عبدالحسین زرین کوب نام برد که کارهای ارزشمند و درخور ذکر بسیاری دارند، به جز آثار ایشان، پژوهش‌های دیگری نیز در ارتباط با این موضوع به صورت پراکنده چاپ شده که ذکر نام همه آن‌ها، در این مجال کوتاه میسر نیست.

ارتباط متقابل ادبیات و جامعه امری روشن و تردید ناپذیر است. ادبیات نیز مانند خانواده، آموزش و پرورش، حکومت، اقتصاد و... یک نهاد اجتماعی است؛ یعنی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد. بر این اساس جامعه‌شناسی ادبیات، مطالعه علمی محتوای اثر ادبی، ماهیت آن در پیوند با دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی است. (ستوده، ۱۳۷۸: ۵۶)

داستان کلبه عموتم از جلوه‌های ادبیات پایداری و مبارزه با برده‌داری و از هیجان‌انگیزترین نمونه‌های مسایل اجتماعی در جهان است. خانم «هریت بیچراستو» با نوشتن این داستان، جامعه محنت‌آلود بردگان سیاه را به تصویر می‌کشد و در میان مبارزان سیاه‌پوست، جنب‌وجوش بی‌سابقه‌ای به راه می‌اندازد که سرانجام آن، صدور فرمان لغای بردگی بود.

متون ادبی به هر زبانی که باشد حقایق اجتماعی را بازگو می‌کند. اگرچه با زبان کودکی و در قالب بازی‌های منظوم باشد. مثلاً یکی از بازی‌های منظوم ما در گذشته بازی اتل متل توتوله است که پاره‌ای از محققان آن را نظمی مهمل خوانده‌اند، اما طبق نظر دکتر محمد ریحانی این سروده، هدفمند، معنی آفرین و کاملاً جهت دار است. ایشان می‌فرمایند: روح جمعی و ناخود آگاه قوم ایرانی، در پی نیاز خود سعی کرده‌است، همه اقوام عالم را به یگانگی فرا بخواند و آنها را درشادی آیینی خود شریک کند. نام عرب، کرد، ترک، هند، چین و فارس که روایت‌گر این نظم است به تدبیری هوشمندانه و کاملاً رازآمیز در بیانی آهنگین، در کنار هم قرار گرفته‌اند.

نگاهی گذرا به گذشته نشان می‌دهد که فضای بسته و خفقان‌زده و فضای پرتب و تاب سیاسی که بر ذهن و روح نویسندگان سایه می‌اندازد و همچنین سرگردانی آنها در میانه ادبیات و تعهد در بیان نظریات اجتماعی و سیاسی، موجب شکل‌گیری بسیاری از تمثیل‌ها، استعاره‌ها، مجازها و کنایه‌ها و به طور کلی نوعی آفرینش ادبی شده‌است. بنابراین می‌توان داستان‌ها، افسانه‌ها و تمثیل‌ها را زائیده‌ی روشنگری سیاسی-اجتماعی آگاهان دانست.

به کارگیری سلاح طنز و شوخی برای جنگ با زشتی‌های اجتماعی و فسادهای حکومت یکی از راه‌های بیان غیرمستقیم است. عبید زاکانی در کتاب موش و گربه، دیدگاه هایش را در مورد حکومت و انتقادات تلخش را از وضع اجتماعی موجود این گونه به نمایش می‌گذارد.

اگر داری تو عقل و دانش و هوش

بیا بشنو حدیث گربه و موش

بخوانم از برایت داستانی

که در معنای آن حیران بمانی

در انتهای قصه می‌گوید که غرض من از موش و گربه آنست که تو «مدعا» یعنی نیت خواسته‌شده را فهم کنی:

جان من پندگیر از این قصه

که شوی در زمانه شادانا

غرض از موش و گربه بر خواندن

مدعا فهم کن پسر جانا

بینش انتقادی و نظرگاه اجتماعی این طنزپردازان بسیار مهم است و آن چه روشن است این که آن‌ها مردانی بیدار و آگاه بوده‌اند و اوضاع زمانه را به هیچ روی نمی‌پسندیده و از آن آزرده خاطر بوده‌اند و خواننده روشن بین می‌تواند در پشت لطیفه‌های خنده‌انگیز آن‌ها این دل‌آزرده‌گی را آشکارا ببینند.

حکایاتی که در آثار فارسی از زبان حیوانات نقل شده‌اند، ساده و دارای مضامین اخلاقی، اجتماعی و سیاسی هستند. این حکایات از جمله انواع ادبی است که نزد همه مردم اعتبار و رواج بسیار داشته و دارد و دراصل این حکایات‌ها از ابزار بیان و گاه استدلال محسوب می‌شوند. «تاریخچه حکایت‌های حیوانات نشان می‌دهد که هر زمانی مناسب بوده و اقتضا می‌کرده‌است، روشنفکران و اندیشمندان و اهل قلم از آن‌ها برای ابراز عقاید خود و انتقادهای نیش دار اجتماعی بهره می‌گرفتند.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۷۱)

بنابراین از میان اندیشه‌های بیان شده در متون ادب گذشته، می‌توان از آثاری چون کلیله و دمنه و مرزبان نامه توشه‌ای برای بررسی‌های علمی، عملی و منطقی در زمینه حکومت و اجتماع برگرفت. اینک به داستانی با عنوان «گرگ خنیاگر دوست با شبان» از مرزبان نامه توجه کنید: حکایت چنین آمده‌است که وقتی گرگی در بیشه‌ای وطن داشت. روزی در حوالی شکارگاهی که خواستگاه رزق او بود، بسیار بگشت. چشم او به بزغاله‌ای افتاد که از گله بازمانده بود، بزغاله دانست که وجه خلاص جز به لطف احتیال نتوان اندیشید. پیش رفت و گفت: مرا شبان به نزد تو فرستاد و فرمود که من ساز غنا برکشم و سمعی خوش آغاز نهم تا تو را از نشاط آن به وقت خوردن من غذایی که به کار بری ذوق را موافق تر آید و طبع را بهتر سازد. گرگ در جوال عشوه بزغاله رفت. بزغاله از سوز حادثه ناله سینه را آهنگ چنان بلند کرد که صدای آن از کوهسار به گوش شبان افتاد. چوبدستی محکم برگرفت، چون باد به سر گرگ دوید و آتش در خرمن تمنای او زد. گرگ از آنجاییکه به گوشه‌ای گریخت و خائناً خاسراً، سر به زانوی تفکر نهاد که این چه امهال جاهلانه و اهمال کاهلانه بود که من ورزیدم. (روابینی: ۱۳۸۰، ۶۸)

اجتماع حیوانات در جنگل، تمثیلی از جامعه است. شخصیت‌ها و صحنه‌ها و وقایع طوری انتخاب شده‌اند که در پشت معنی ظاهری آن‌ها معنی دیگری نهفته است؛ بزغاله در این داستان، نماد طبقه زیرک و هوشیار جامعه است که با زیرکی تمام از دست گرگ که نماد طبقه‌ی زورمدار جامعه است رهایی می‌یابد.

از این رو داستان تمثیلی دو سطح دارد، سطحی ظاهری و سطحی پنهانی که در آن نکته‌های اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، عرفانی و مذهبی به طنز یا به جسد، به نمایش گذاشته شده‌است. نویسنده، خواننده را به اندیشه وامی‌دارد و حقایق انکارناپذیر را در مقام تمثیل، بیان می‌دارد و مایه عبرت اندوزی را فراهم می‌نماید.

تاریخ بیهقی، گنجی از معلومات ادبی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در خود دارد. تاریخ بیهقی آینه روشن عصر غزنوی است که نویسنده با باریک‌بینی و ژرف‌نگری، بیشتر جلوه‌های زندگی اجتماعی را با خامه توانای خود بر دفتر آیام نقش بسته‌است.

توجه و بررسی فعل‌ها در تاریخ بیهقی نیز تأمل‌برانگیز است، غالب فعل‌ها به صورت مجهول به کار گرفته شده است و اساسی‌ترین عامل در این امر، چیزی جز اختناق اجتماعی و سکوت عمومی نخواهد بود. مثلاً آنجایی که حسنگ را می‌خواهند به دار کشند، می‌نویسد " و دو پیک را ایستانیده بودند که از بغداد آمده اند و قرآن خوانان، قرآن می‌خواندند ..... " (تاریخ بیهقی، ج اول: ۲۳۴)

تمامی جوامع از طریق خلق آثار ادبی خود، هویت می‌یابند. ابعاد زیبا شناختی هر کار ادبی برای قرن‌ها باقی می‌ماند. باید ادبیات هر دوره تاریخی را برآمده از شرایط و اوضاع اجتماعی آن دوره و در نتیجه همچون منبعی برای بررسی جامعه‌شناسی آن دوره بدانیم. (شیروانلو، ۱۳۵۵: ۱۶۸)

شاهنامه فردوسی گذشته از نوع اجتماعی آن یعنی حماسه، احساسات میهن‌دوستانه و برتری‌های قومی و ملی را که خواه‌ناخواه امری اجتماعی است مطرح می‌کند. قهرمانان و پهلوانان شاهنامه چون رستم، سیاوش و ... مظهری از ارزش‌های اخلاقی و عاطفی قوم ایرانی است و نمودار آرزوهای فردوسی در ساختن آرمان شهر خویش.

اشاره به داستان‌های نمادین شاهنامه از جمله ضحاک ماردوش در این قسمت خالی از لطف نیست. در این داستان، ضحاک که پادشاهی غیرایرانی است و بر ایران حکومت می‌کند، نماد نفس است. او مغز جوانان ایرانی را که نماد تفکر ایرانی است، خوراک مارهای روئیده بر دوشش می‌کند. ارمایل و گرمایل، در این داستان که به جای کشتن جوانان ایرانی از مغز گوسفندان برای غذای ضحاک استفاده می‌کنند، نماد مصلحان اجتماعی‌اند. دو دختر جمشید نماد فرهنگ ایرانی هستند. این دو دختر با توجه به این که نزدیک به هزار سال در شبستان ضحاک به سر می‌برند، صاحب فرزند نمی‌شوند، زیرا فرهنگ ایرانی در آمیزش با فرهنگ بیگانه نتیجه‌ای نخواهد داشت. در پایان داستان، ضحاک به جای این که کشته شود در بن غاری به بند کشیده می‌شود و این در حکم هشدار است بر جامعه، که هر آن، امکان رهایی و تسلط ضحاک‌ها بر ما و جامعه ما خواهد بود.

عصر حافظ، دورانی است آشفته و شکست‌های تاریخی، حمله مغول، بحران‌های سیاسی و اجتماعی، متلاشی شدن مراکز علمی و فرهنگی، یأس و نابسامانی، فساد اجتماعی، رفتارهای ریاکارانه بر جامعه سایه گسترده بود. حافظ این عارف رند که سر سازش و تسلیم ندارد، با شکستن هنجارهای جامعه، گاهی به جد و گاهی به طنز، حقایق اجتماعی را عریان و بی‌پرده بیان و جایگاه انسان را در این میانه تعیین می‌کند.

زاهد غرور داشت سلامت نبرد راه / رند از ره نیل‌باز به دارالسلام رفت ج ۱: ۸۷ / ۷

یا: نفاق و زرق نبخشد صفای دل، حافظ / طریق رندی و عشق اختیار خواهم کرد ج ۱: ۱۳۲ / ۷

یا: رندی آموز و کرم کن که نه چندان هنرست / حیوانی که ننوشد می‌وانسان نشود ج ۲: ۲۲۳ / ۲

لازمه انسانیت در دید او برتر از ملاحظات اجتماعی و انگیزه‌های خودپرستانه و ریاکارانه قرار می‌گیرد. فلسفه حافظ بر مبنای انسان‌دوستی و تقدس بخشیدن به حیات آدمی است. در قاموس او جایی برای اذیت و آزار، خودپرستی و ریا وجود ندارد.

مباش در پی آزار و هرچه خواهی کن / که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست ج ۱: ۷۷ / ۶

از اوان مشروطیت در ایران، روشنفکران و متفکران ایرانی سعی کردند نقد اجتماعی را چه در شعر و چه در نثر، رواج دهند. شاعرانی مانند ادیب الممالک فراهانی، دهخدا، نسیم شمال، بهار و میرزاده عشقی و دیگران، شعر را در خدمت اجتماع و سیاست می‌دانند و از آن برای بیدار کردن مردم استفاده می‌کنند. شعر و ادب از نظر این روشنفکران، در واقع بهترین و عالی‌ترین وسیله برای ابلاغ و القای افکار و اندیشه به شمار می‌رود. مثلاً ادیب‌الممالک فراهانی در سال ۱۳۲۰ مسطی انتشار می‌دهد و در آن شمه‌ای از مفاسد و آشفته‌گی‌های اجتماعی را بیان می‌کند:

مرغان بساتین را منقار بریدند / اوراق ریاحین را طومار دریدند

گاوان شکم‌خواره به گلزار چریدند / گرگان زیبی یوسف، بسیار دودیدند

تا عاقبت او را سوی بازار کشیدند / یاران بفروختندش و اغیار خریدند

اوخ به فروشنده، دریغا، ز خریدار! (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۲۱)

فریاد اشرف‌الدین نیز بلند است که وطن از دست رفت و خون جوانان به باطل به زمین ریخته‌است:

گردیده وطن غرقه اندوه و محن وای / ای وای وطن وای

خیزید و روید از بی تابوت وک فن وای / ای وای وطن وای

دهخدا در مکتوبی از قزوین فریاد الامان برمی‌دارد و از این که مشروطه دارد از میان می‌رود اظهار تأسف می‌کند:



به عرش می‌رسد امروز الامان دخو  
درین ولایت قزوین ز ظلم و استبداد  
پروین نیز از روشن فکرائی است که از سلاح شعر، برای مبارزه با مفاسد اجتماعی و ابلاغ اندیشه‌های خود بهره می‌گیرد. یکی از اشعار زیبای پروین اعتصامی که مضمون اجتماعی دارد، شعر مست و هوشیار وی است که به اوضاع اجتماعی و فساد والیان و مأموران اشاره دارد:

محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت  
مست گفت: ای دوست، این پیراهن است، افسار نیست  
گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی  
گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست  
در این شعر، پروین به اوضاع و احوال و معضلات اجتماعی اشاره دارد، که از رأس حکومت و حاکم شرع تا تمام توده‌های مردم را در بر گرفته است و آن را ناشی از عملکرد حاکمان و مأموران دولتی نیز می‌داند و هیچ شخص صالحی را برای اصلاح جامعه نمی‌بیند.

در زمینه نثر نیز تلاش‌های بسیاری انجام گرفت. نویسندگان زیادی توانستند از مضامین و ایده‌های نهفته در بستر جامعه، نمونه‌برداری کنند. جلال آل احمد، در پس ظاهر داستان‌هایش، معنایی اجتماعی-سیاسی را قصد کرده‌است. او از معدود آفرینش‌گران دوران مشروطه است که توانست، مسائل عمیق سیاسی-اجتماعی را در ضمن داستان‌هایی کوتاه و ساده در قلمرو زیبای ادبیات بگنجانند.

جلال در آثار داستانی و غیرداستانی‌اش همواره سعی کرد فزاینده‌ها را بکاود و تلاطم‌های جامعه ایران را نشان دهد. آثار او از نظرگاه تصویری و ارائه چشم‌اندازها و نگاره‌های کلامی جای خاصی دارد. او از داستان و قالب داستانی بهره برد، تا اندیشه و آرای شخصی خود را بدون کوچک‌ترین ترس و واهمه‌ی مطرح سازد. (پارسی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۱)

از موفقیت‌های جلال آل احمد، توانسته‌است، عواطف خفته خواننده را بیدار کند و او را به درکی سرشارتر و عمیق‌تر از مسائل اجتماعی برساند.

#### نتیجه:

رگه‌های پیوند میان ادب و اجتماع را در آثار ادبی می‌توان به خوبی مشاهده کرد. ادیبان و شاعران با شور و شعور اجتماعی و سیاسی، با قدرت و چیره دستی هنری خود، انتظار جامعه را به آگاه کردن نسبت به مسائل اجتماعی برآورده ساختند. شاعران و نویسندگان در میان ظلمات جهل و استبداد جامعه، وقایع را با دو چشم روشن و ژرف بین خود به خوبی دیده‌اند و با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی، شیوه‌های مختلفی برای بیان این حقایق برگزیدند.

داستان‌پردازی‌های شاهنامه فردوسی، دیدگاه‌های انتقادی در قالب طنز و هزل‌های عبید زاکانی و توصیه و پند و اندرز اخلاقی در آثاری چون سیاست نامه، قابوس نامه، حکایات نمادین به زبان حیوانات، مثل کلیله و دمنه، مرزبان نامه و از میان متون عرفانی، منطق الطیر و مثنوی از این دست هستند.

نقد‌های اجتماعی و سیاسی شاعران و نویسندگان در آثارشان تأثیر زیادی در بیداری جامعه عصر آن‌ها داشته‌است. از طرفی، این انتقادات هشدار جدی برای حاکمان جامعه بوده‌اند تا آن‌ها بدانند، که رفتارشان در جامعه به دقت زیر نظر قرار دارد. با مطالعه دقیق آثار ادبی و شناخت انتقادات اجتماعی و سیاسی موجود در آن‌ها، با اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر شاعر و نویسنده بیشتر آشنا می‌شویم.

#### منابع:

- ۱- احمدی نژاد کامل، تحلیل آثار نظامی گنجوی، چ اول، شرکت چاپ و انتشارات علمی، ۱۳۶۹.
- ۲- انزایی نژاد، رضا؛ پرده‌ی سحر سحری، تهران، جامی، چ سوم؛ ۱۳۷۹.
- ۳- پارسی نژاد کامران، جلال آل احمد، تهران: خانه کتاب، چ سوم، ۱۳۹۰.
- ۴- خطیب رهبر، خلیل؛ تاریخ بیهقی، ۱۳۷۵.
- ۵- دوبرووار سیمون /مصطفی رحیمی، نقد حکمت عامیانه، آگاه، ۱۳۵۴.
- ۶- رحمدل، غلامرضا، حاکم حکیم، چاپ اول، دانشگاه گیلان، ۱۳۷۳.
- ۷- ریحانی محمد "گذرگاه موسیقی و معنا" از فصل نامه تخصصی ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۸۶.
- ۸- ریحانی محمد، سپهری؛ مفسر آیه‌های قدیمی، مشهد: آهنگ قلم، ۱۳۸۵.
- ۹- زرین کوب حمید، چشم‌انداز شعرنوفارسی، تهران: توس، ۱۳۸۵.
- ۱۰- ستوده، هدایت‌الله، جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی، تهران: آوای نور، ۱۳۷۸.
- ۱۱- سعدی شیرازی، مصلح الدین، گلستان از روی نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی به کوشش سعید نفیسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات فروغی، ۱۳۷۰.

- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا، تازیانه‌های سلوک، چ هشتم، تهران: آگاه، ۱۳۸۶.
- ۱۳- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۱.
- ۱۴- شیروانلو، فیروز، گستره و محدوده‌ی جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تهران: توس، ۱۳۵۵.
- ۱۵- صارمی، سهیلا، الهی‌نامه، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۸۷.
- ۱۶- مجاهد، احمد، جوحی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۷- مصلی نژاد، عباس، فرهنگ سیاسی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات صبا، ۱۳۸۶.
- ۱۸- کزازی، میرجلال‌الدین، نامه باستان، جلد سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۴.
- ۱۹- لووننتال، لئو، ویکردانتقادی در جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمدرضا شادرو، تهران: نی، ۱۳۸۶.
- ۲۰- منشی، ابوالمعالی نصرالله، کلیله و دمنه توضیح مجتبی مینوی طهرانی، چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۶.
- ۲۱- نظامی گنجوی، کلیات به تصحیح وحید دستگردی حسن، تهران، نگاه، علم چ سوم، ۱۳۷۸.
- ۲۲- \_\_\_\_\_، مخزن الاسرار (گزیده) به تصحیح بهروز ثروتیان، تهران، توس، چ دوم، ۱۳۷۹.
- ۲۳- \_\_\_\_\_، اقبال‌نامه، به تصحیح بهروز ثروتیان، تهران توس؛ ۱۳۷۹.
- ۲۴- وحیدیان کامیار، تقی، حرف‌های تازه در ادب فارسی، جهاددانشگاهی دانشگاه چمران اهواز، ۱۳۷۰.
- ۲۵- وراوینی، سعدالدین، مرزبان‌نامه به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ هفتم، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۸۰.
- ۲۶- ولک‌رنه، نظریه ادبیات، ترجمه پرویز مهاجر و ضیاء موحدمحمدی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۲۷- هروی حسینی، شرح غزل‌های حافظ، نشر تنویر با همکاری نشر نو، ج اول، تهران: ۱۳۷۸.
- ۲۸- یوسفی، غلامحسین، دیداری با اهل قلم، جلد اول، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۲.